

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman	زن پیشواز
----------------	-----------

یادداشت فرستنده :

متصدیان محترم پورتال رزمنده "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان":
این مقاله را آنقدر ارزشمند و پاسخگوی نیاز مندیهای مبرم زنان افغان یافتم، که حیقم آمد آن را در چنین روز
خجسته ای برای پورتال رزمندگان نفرستم. امید است اقبال نشر یابد.
یک تن از هواداران پورتال

نویسنده ک. ابراهیم

زنان راه انقلاب کردن را باید برگزینند

فرا رسیدن ۸ مارس، روز زن، فرصتی بود تا باردیگر گوشه‌ای از خشونت‌ها، تجاوزها، حق‌کشی‌ها و فرودست نگه داشتن زنان به مثابه نیمی از بشریت، در تظاهرات خیابانی شهرها و روستاها، در تجمعات پارتیزانها در روستاها و جنگلها و در مناطق جنگی؛ در اخبار رسانه‌ها ی گوناگون و اعلامیه‌های تشکلهای و مدافعین حقوق زنان، بازتاب داده‌شود:

- در سال گذشته بنابر آمار کمیته ویژه سازمان ملل ۱.۲ میلیارد زن با کار در بیرون خانه کسب درآمد کردند که در طول ۱۰ سال گذشته ۱۸٪ رشد داشته است.

- مع الوصف تعداد زنان شاغل کمتر از مردان بوده و درآمدهای آنها نیز ۱۶٪ کمتر از مردان است.
- به شمار زنان بی‌کار ۸۰.۶ میلیون افزوده شده و نرخ بی‌کاری آنها در جهان ۶.۴٪ است. در حالی که نرخ بی‌کاری در میان مردان ۵.۷٪ می‌باشد. (همان‌جا)

- حدود ۷۵٪ کارهای خدماتی جهان توسط زنان انجام می‌گیرد. مع الوصف، ۸۰٪ فقیران جهان را زنان تشکیل می‌دهند (به نقل از اعلامیه فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری به مناسبت ۸ مارس)

- ۸۰۰ میلیون نفر از بی‌سوادان جهان زنان هستند. از هر ۵ کودکی که به مدرسه نمی‌روند ۳ نفر دختر هستند.
- روزانه ۵۰۱ میلیون نفر قربانی تجاوز جنسی می‌شوند که ۹۰۰ هزار آن را زنان و دختران تشکیل می‌دهند.

- روزانه ۲۰۰۰ جنین به خاطر دختر بودن جنین، صورت می‌گیرد.
- ۹۰٪ قربانیان درگیریهای مسلحانه و جنگها افراد غیر نظامی هستند که اکثریت آنها را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. (همان‌جا)

- سالانه معادل ۱۰ هزار میلیارد دلار ارزش از طریق کار پرداخت نشده زنان تولید می‌شود. (سوسن خرم نژاد - اقتصاد سیاسی ستم بر زن)

دامنه این آمارها را می‌توان توسعه داد که بیان‌گر استثمار و ظلم و ستم طبقاتی و مردسالارانه نسبت به زنان می‌باشد که نشانی است از بی‌عدالتی گسترده و غیر قابل تصور در جامعه جهانی.

مگر غیر از این است که این نظام سرمایه‌داری است که در جهان دست بالا را داشته و عامل اصلی به‌وجودآورنده وضع موجود است؟ وقتی که درکنگره کار کانادا گفته می‌شود که به زنان کانادایی ۳۰٪ کمتر از مردان مزد می‌دهند و یا به قول سازمان ملل این رقم ۱۶٪ درکل جهان است، این خود بیانگر ناتوانی و عدم تمایل این نظام استثماری در برقرارساختن مزد برابر درمقابل کاربرابر و مستقل از جنسیت کارگر می‌باشد؟

وقتی که به‌ر نهاد جامعه سرمایه‌داری بنگریم - از قوای مقننه، مجریه و قضائیه گرفته تا مؤسسات تولیدی مهم، بانکها، دانش‌گاهها و دریک کلام مراکز حساس جامعه - می‌بینیم که زنان از نظر مدیریت در اقلیت محض قرار دارند، آیا این نشان‌گر تلاش این نظام ستم‌گر در اعمال حکم مردسالاری در جهان نمی‌باشد؟

وقتی که در پیش رفته‌ترین کشورهای سرمایه‌داری - که گویا گل سرسبد این کشورها به‌حساب می‌آیند - به علت قلدنمنشی مردسالارانه، "خانه‌های امن" برای زنان و دخترانی درست شده‌است که در اثر ضرب و شتم مردان، مجبور به فرار از خانه می‌شوند، و تجاوز جنسی و قتل زنان و دختران به بهانه‌های عدم "تمکین" آنها به مردان و یا به خاطر صرفاً شهبوانی، ناموسی، حسادت و... روزانه صورت می‌گیرد، و این پدیده شمشزکننده راه حلی نمی‌یابد، این نشان‌گر ناتوانی این نظام در حل مسایل زنان نمی‌باشد؟

هر انسان منصفی باید از خود سؤال کند که چرا این همه موعظه‌های هزاران ساله خادمان ادیان در مورد برابری زن و مرد از دید الهی، این همه داستان سرانی در مورد دموکراسی بورژوازی، "آزادی، برابری، برادری" و این همه ادعا در مورد حقوق بشر در نظام سرمایه‌داری به‌مثابه غایت تکامل جامعه بشری، چرا نظامهای حاکم استثماری تا به امروز از مسأله‌ای به این سادگی که زنان نیز انسان هستند و از حقوق برابر با مردان در کلیه عرصه‌های اجتماعی باید برخوردار باشند، غافل مانده و عاجز از حل آن بوده‌اند؟

هر انسان منصفی باید از خود سؤال کند که چرا وقتی پرولتاریای پاریس ۱۲۷ سال پیش باقیام پرشکوه خود در ۱۸ مارس ۱۸۷۱ و به دست گرفتن قدرت ولو برای دوره‌ای کوتاه و به مدت ۳ ماه، زنان را در مقام رهبری کمون ارج نهاد، و یا در انقلاب سوسیالیستی اکتبر روسیه ۱۹۱۷ زنان با آزادی تمام در کلیه ارگانهای جامعه فعال شده و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را یافتند، اما هنوز در بسیاری از کشورهای سرمایه‌داری جهان انتخاب شدن زنان به مقامات مسؤولیت دار با هزاران اما و اگر هم راه است و در تعدادی از کشورها نیز زنان حتاحق انتخاب کردن را ندارند؟

آیا قبول اصل مزد مساوی زنان و مردان درمقابل کار مساوی، معمای تا بدان حد مشکلی است که تا به حال در جوامع سرمایه‌داری راحل نیافته‌است؟

آیا معمای لاینحلی است که زنان حق تصمیم نسبت به بدن خود داشته باشند و با توجه به مشکلات بارداری، به‌آنها حق داده شود تا اگر مایل نیستند بچه‌خود را حفظ کنند، حق سقط جنین داشته باشند؟ و...

این سوالات و صدها سؤال دیگر، انسانی را که در توهمات و خرافات مذهبی و شستشوی مغزی جامعه طبقاتی غرق نشده باشد، وا می‌دارد که به عمق مسأله بیندیشد و اگر خود دانش کافی ندارد به آن چه که دانسته‌های بشر امروزی است و پراتیک مهربانید بر آن زده‌است، مراجعه نماید و آن این که: از ابتدای به‌وجود آمدن بشر از تکامل نوعی میمون، زن برابر با مرد بوده و حتا به علت نقش برتری که در تولید نعمات مادی و تولید نسل بشر به عهده داشت - که بدون آن از موجودی به نام بشر امروزه خبری نبود - نقش رهبری کننده جوامع اولیه را به دست آورد. اما با رشد تولید و تقسیم کار و محدودیتهای ناشی از باردار شدن، نقش زن در تولید نعمات مادی کمتر شده و توسط مرد تدریجاً به مقام فروتری کشیده شد. تشکیل خانواده، نقطه آغازین تحکم مرد بر زن و تبدیل آن به ابزار تولید کننده نعمات مادی و تولیدمثل بود و این امر به تشکیل طبقات و جامعه طبقاتی مردسالارانجامید که در آن وسایل تولید و مبادله در دست مردها تمرکز یافت و زن به مثابه انسان درجه دومی مورد استثمار و ستم قرار گرفت.

راه برون رفت از این انحراف جدی جوامع انسانی نیز پایان دادن به مناسبات گنبدیده طبقاتی و مردسالار است. مبارزه علیه این دو پدیده ارتجاعی نیز ضمن این که درکنار هم باید پیش برده شوند و تاهر اندازه که ممکن باشد از بار مصائب زنان باید کاسته شود، اما درست به همان گونه که طبقه کارگر علی رغم مبارزات چندصدساله، نتوانسته است استثمار کارمزدی را از طریق اعتصابات و اعتراضات و راههای مسالمت آمیز و رفرمیستی پایان بخشد، از بین بردن مردسالاری هم منوط به به رسمیت شناختن موقعیت و مقام زن در جامعه و نقش‌اش در تولید به سطحی برابر و حتا فراتر از مردان و حضور پر رنگ زنان در کلیه عرصه‌ها و مبارزات اجتماعی می‌باشد.

ناگفته پیداست که به‌زیر کشیدن مناسبات طبقاتی متکی بر مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله و از بین بردن استثمار کارمزدی و در این راستا کشاندن نقش زنان از انسانهای استثمار شده و ستم دیده به سطح نقش رهبران و اداره کنندگان جامعه هم در تولید و هم در سیاست، و دوش به دوش مردان، شرط لازم برای پایان دادن به مناسبات مردسالارانه خواهد بود.

اما این شرطی کافی نیست. زورگویی هزاران ساله مردان به زنان و به وجود آوردن انواع سننهای تبعیض‌آمیز مردسالارانه و رسوم و عادات کهنه و ارتجاعی در جوامع امروزی که از بدو تولد کودک در ذهن آن حک می‌شود، به

قول معروف "باشیر مادر" اندرون می شود و "باجان" بهدرمی رود!، مجموعه‌ای از احساسات کوربرتری مردانه در پسران به وجود می‌آورد و مناسبات حاکم در جامعه نیز در تحقیر نقش زنان در اجتماع، به احساسات مردسالارانه دامن می‌زند که از بین بردن آن احتیاج به زمان طولانی تجدید تربیت مردان، همراه با از بین بردن محدودیت‌های مادی زنان، دارد. از بین بردن نیروی عادت بدون فراهم آوردن زمینه‌های لازم ممکن نیست. حتی در مورد کسانی که واقعیت موجود زنان را به طور تعقلی درک کرده‌باشند، تغییر دادن خود در عمل و برخورد برابر نسبت به زنان امری است که زمان می‌خواهد. زیرا به قول معروف:

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش - باز جوید روزگار وصل خویش!

جنبش کمونیستی جهان که پیش قراول دفاع از حقوق زنان بوده‌است، در زمینه اصول فوق هیچ گاه طی ۱۶۰ سال اخیر تردیدی به خود راه نداده است. کمبودها در آن نیز اساساً ناشی از فقدان زمینه‌های مادی تحقق آن اصول بوده‌است. هر جا که زنان کمونیست با شرکت در مبارزات مختلف تولیدی، سیاسی و اجتماعی، کیفیتی برتر از مردان از خود ارائه داده و توانسته‌اند نقش پیشرو خود را عرضه کنند، در این جنبش مورد احترام قرار گرفته‌اند و حتی در جوامع سرمایه‌داری، علی‌رغم محدودیت‌ها، زنان با کیفیت خود را به حاکمان جامعه تا حدودی تحمیل کرده‌اند. به دیگر سخن زنان به طور عام و زنان کمونیست به طور مشخص با تلاش خود در بالا بردن آگاهی، سازمان‌یابی، شرکت فعال در مبارزات و ارائه توانائی رهبری کننده از خود است که می‌توانند در تغییر جهان ذهنی مردان نقش موثری داشته‌باشند. این کیفیت را مصنوعاً نمی‌توان به‌وجود آورد. اما کمونیست‌های مرد باید آگاهانه برای کمک به ایجاد چنین کیفیتی در زنان با تمام وجود اقدام کنند.

مصائبی که در جهان سرمایه‌داری نسبت به زنان روا می‌شود، در کشورهایی که حاکمیت دین بر دولت مستولی است و مشخصاً در ایران، چندین برابر بیشتر است. اگر زنان در جوامع سرمایه‌داری پیش رفته توانسته‌اند تا حدودی برخی از خواسته‌های ابتدائی خود را به نظام حاکم بقبولانند، در ایران رژیم جمهوری اسلامی حرکتی قهقرایانه در برخورد به حقوق زنان را در پیش گرفته‌است.

خلاف آن‌چه که در ظاهر امر کار به‌دستان رژیم تبلیغ می‌کنند که مسئله زنان در ارتباط با اعتقادات مذهبی جهت سلامت انسانها در این دنیا و آخرت است، ستم بر زنان و سرکوب آنها در ارتباط مستقیم با این جهان و حفظ اقتدار در جامعه، سرکوب کلیه انسانهای معترض و تداوم بخشیدن به موقعیت ممتاز استثمارگری است که وحشیانه و چهار اسبه دارد آخرین رمق انسانهای کار و زحمت را می‌گیرد. مذهب آلت دست طبقات سرمایه‌دار و صاحبان وسایل تولید و مبادله است. چه چیزی "مناسب‌تر" از این که به نام خدا و متفاوتیک، استبداد سرمایه را در جامعه حکم‌فرما نمود و فریاد زد: "کار، کار خداست" و زنان و مردان را با تخم‌آق اختناق "خدا" و ادار به سکوت کرد؟

امروز حقوق بشر در ایران در لافافه "حقوق بشر اسلامی" پای‌مال می‌شود و توجیه فرهنگی اسلامی می‌یابد!! در حالی که واقعیت‌های عینی خلاف ادعاهای شیخان ریاکار حاکم را نشان می‌دهد. جامعه ایران طی ۳۰ سال اخیر به شدت دچار اختلال روانی شده‌است که از جمله ناشی از روشهای استبدادی مذهبی اعمال شده در حق زنان و اعمال محدودیت آنها حتی در حد چه‌گونه لباس پوشیدن است. در جامعه به شدت از خودبی‌گانه شده ایران، تجاوز به زنان و دختران افزایش یافته، خودکشی زنان به دلیل ستمی که بر آنها روا می‌شود، فزونی پیدا کرده، پدیده کودکان خیابانی و دختران فراری از خانه از "دستاورد های" رژیم منحوس اسلامی بوده است. فروش دختران و قاچاق آنها به کشورهای عربی جنوب خلیج فارس، افغانستان، پاکستان و حتی چین در زمان حاکمیت دولتی اسلامی بر جامعه رخ داده‌اند و... اینهاست نتایج به‌کارگیری قوانین مذهبی در مهار زنان!

طرح "امنیت اجتماعی" که امسال به مورد اجراء گذاشته شد، اساساً به قصد گسترش رعب و وحشت در جامعه از طریق اعمال فشار ضدبشری به زنان بود که طی آن از طریق دستگیری دهها هزار زن و دختر و بردن شروانه آنان به بازداشت‌گاههای نیروی انتظامی، و اعمال بی‌حرمتی و شکنجه و زندان تهیه و اجراء شد. سردمداران رژیم فریاد می‌زنند که "اگر می‌خواهید انقلاب اسلامی را به نابودی بکشانید، باید حجاب را از آن بگیریید!!"

آیا برای انسانی که سلامتی عقلی و روانی خود را از دست نداده‌باشد، قابل قبول است که پوشش زنان، دستگاه پوشالی اسلامی را تا بدان حد می‌تواند به لرزه در آورده و نابود سازد؟ واقعیت آن است که پوشش بهانه‌ای است در دست حاکمان برای حفظ سلطه خود و غارت دست‌رنج دهها میلیون انسان کار و زحمت!

آمار رسمی دادگاههای اسلامی نشان می‌دهد که ۱۰۲ قتل (همسرکشی) در سال گذشته روی داده که ۴۹ نفر به دست خود زنان و ۵۳ نفر با تحریک دیگران صورت گرفته و آمار واقعی به مراتب بیشتر از اینهاست. وقتی به‌دادرخواهی زنان در مورد تعدی شوهران‌شان گوش داده نمی‌شود، در نتیجه آن، خشونت تلخ و فردی بر سر تاپای جامعه مستولی می‌گردد. وقتی به زنان به مثابه کالائی برخورد می‌شود که می‌توان حتی آن را به دیگران فروخت. وقتی که به‌جای خوشحالی از فعال شدن دختران در امر تحصیل، در دانش‌گاهها سهمیه‌بندی جنسی صورت می‌گیرد تا جلو ورود دانش‌جویان دختر را به دانش‌گاهها بگیرند؛ آیا اعتراض به وضع موجود حق مسلم و بی‌چون چرای زنان و هر فرد آزادی‌خواه نباید باشد؟

زنان در ۳۰ سال اخیر سربلندانه درمقابل این حق‌گش‌ها و ستمها ایستاده، تلفات فراوانی داده و تحقیرهای پست و پلیدی را تحمل کرده‌اند. در این نبرد طولانی آبدیده شده و هم اکنون در سطوح مختلفی مقاومت و مبارزه شان علیه نظام زن ستیز جمهوری اسلامی را ادامه می‌دهند.

در این میان رفرمیستها اعم از مدافعان جمهوری اسلامی تا وابسته به نیروهای اپوزیسیون، تمامی تلاششان را به کار گرفته اند تا در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی به برخی تغییرات جزئی در احقاق حقوق زنان دست یابند و مبارزات زنان را در این چهارچوب محصور نمایند. در حالی که حاکمیت دین بردولت از بنیاد مغایر با اصول دموکراسی - حتا در سطح آبکی و بورژوازی کلمه - است.

این تلاشها، کشاندن زنان به حیطه‌ای از مبارزات توهم آمیز است که می‌تواند برای سالهای سال انرژی و روح عصیان‌گر زنان را به خاموشی بگرایاند، بدون این‌که نتیجه قابل لمسی نصیب زنان گردد. نه جمهوری اسلامی با قوانین کهنه و مندرس ۱۵۰۰ ساله‌اش قادر به رهائی زنان از استثمار و ستم طبقاتی و مردسالاری است و نه هیچ رژیم طبقاتی "سکولار" دیگری! زیرا که در آن احترام به مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله و مردسالاری پایه‌اساسی قوانین حاکم را تشکیل می‌دهد.

زنان مبارز ایران باید از تاریخ جوامع طبقاتی درک درستی پیداکنند. آنها باید به این واقعیت برسند که رهائی آنها درگرو پایان دادن به سلطه طبقات است و نزدیک ترین دوست و هم‌رزم آنها کمونیستها و طبقه کارگر است که خود بیش از نیمی از آن را تشکیل می‌دهند. با چنین دید ستراتیژیکی است که آنها قادر می‌شوند اولاً مبارزات روزمره و تاکتیکی شان را در تحمیل رفرمهایی در حق زنان به حاکمان موفق گردند و به بهترین وجهی سازمان دهند و ثانیاً راه خود را در رهائی واقعی شان گم نکنند. در این راستا نقش زنان کمونیست از اهمیت والائی برخوردار می‌باشد.

زنان نیز همانند کارگران باید در ایجاد سازمان مستقل خود تلاش کنند. زنان باید از تفرقه و گروه‌گرایی، در حدی که امکان دارد، بپرهیزند. زنان کارگر و زحمت کش باید خلاف مشتی رفرمیست که در چارچوب جمهوری اسلامی و یا قوانین سرمایه‌داری می‌خواهند مبارزات زنان را محدود سازند، پرچم رهائی خود را با نظر داشت به آینده تابناک رهائی و نه گذشته تاریک و ستمجو و بی رحم، به اهتزاز در آورند. استفاده از فرصتهای اندکی که تحت عنوان "سوپاهای اطمینان" برای جلوگیری از بروز آتش‌فشان خشم زنان توسط حاکمان پیش گذاشته می‌شود، نباید باعث شود تا قانون عمومی رهائی خود را از نظر دور بدارند.

رهائی زنان درگرو نهراسیدن از مشکلات و شلاقهای جور و ستم برگردهشان است؛

رهائی زنان درگرو وحدت و گردآمدن‌شان حول پرچم انقلابی کمونیسم علمی است؛

رهائی زنان درگرو مبارزه متحد و متشکل و بی‌امان آنها علیه نظام سرمایه‌داری و مردسالاری است؛
رهائی زنان درگرو ادامه مبارزه تا به آخر است. زیرا انقلاب رهائی بخش زنان، انقلابی است طولانی و پریپیچ و خم. اما هرگامی که در این انقلاب و در مبارزه علیه استثمار و ستم رژیم مذهبی ایران برداشته شود، گامی است به جلو در تضعیف کل این نظام فاسد و ستم‌گر.

زنان مبارز و شیردل ایران! باتکیه به نیروی خود و درصافی تاحدممکن واحد است که خواهید توانست حقوق پایمال شده خود را از طریق شرکت در مبارزات روزمره و نهایتاً سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی و هر رژیم دیگر حامی سرمایه و مردسالار، به دست آورید. از راه حل‌های فردی و یا گروهی برای خلاصی خود از جهنم ظلم و ستمی که در آن افتاده‌اید، تا حدممکن دست کشیده و به توان و عقل و حرکت جمعی‌تان ایمان بیاورید که صبح رهائی نزدیک است و کاروان جهانی آزادی و رهائی انسانهای تحت استثمار و ستم بیش از پیش و به سوی مبارزات متشکل و طغیان علیه نظام سرمایه‌داری، به حرکت درآمده‌است!